



ابطال عوارض محلی بر خدمات بیمه‌ای؛ بازخوانی یک پرونده قضایی

تهیه‌کننده: میز مطالعات حقوقی پژوهشکده بیمه
تاریخ انتشار: خرداد ۱۴۰۴



کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پژوهشکده بیمه (وابسته به بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران) می‌باشد و هر نوع برداشت از آن با ذکر منبع بلامانع است.

ابطال عوارض محلی بر خدمات بیمه‌ای؛ بازخوانی یک پرونده قضایی

تهیه‌کنندگان: دکتر محمد صالح چیت‌گران - امیرحسین قدمی

پیشگفتار

در نظام حقوقی هر کشور، مرز بین صلاحیت‌های نهادهای محلی و الزامات ناشی از قوانین ملی، همواره یکی از محورهای اصلی تعارضات حقوقی است. در ایران، تجربه‌های متعددی نشان داده‌اند که این مرزها در مواردی همچون وضع عوارض توسط شهرداری‌ها به‌گونه‌ای تفسیر شده‌اند که منجر به منازعات میان نهادهای عمومی و بخش خصوصی شده است.

این گزارش، یکی از نمونه‌های شاخص این تعارضات را در بستر صنعت بیمه مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ جایی که شرکت‌های بیمه با اتکا به قوانین بالادستی، در مقابل مصوبات شوراهای اسلامی شهر که گاه از دایره صلاحیت قانونی فراتر می‌روند، ایستاده‌اند. بررسی این تجربه موردی، بازتابی است از چالش‌های حقوقی، اجرایی و اقتصادی که در اثر تصمیمات محلی نادرست، بر دوش بخش خصوصی گذاشته می‌شود. امید است این دست گزارش‌ها با تحلیل گذشته، چراغی برای راه‌های آینده باشند.

مقدمه

تداخل صلاحیت‌های قانونی در جمهوری اسلامی ایران، همواره بستری را برای بروز اختلافات میان نهادهای محلی همچون شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهر با نهادهای اقتصادی و خدماتی مانند شرکت‌های بیمه فراهم کرده است. یکی از مصادیق بارز این تعارضات، تلاش شهرداری‌ها برای اخذ عوارض از فعالیت‌هایی است که مطابق قوانین ملی، مشمول پرداخت مالیات یا عوارض خاص هستند.

پرونده مورد بررسی در این گزارش، به اختلاف حقوقی میان یک شرکت بیمه و شهرداری مشهد می‌پردازد که در آن شهرداری، با استناد به مصوبات محلی و به‌رغم وجود ممنوعیت‌های قانونی در قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷، اقدام به مطالبه عوارض از حق بیمه‌های صادره نموده است. شرکت بیمه مزبور با استناد به قوانین یادشده و آرای دیوان عدالت اداری، این مطالبه را فاقد وجاهت قانونی دانسته و خواستار ابطال رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری شده است.

در این تجربه موردی، در کنار بررسی ابعاد فنی و حقوقی اختلاف، به روند رسیدگی قضایی، مستندات قانونی و آرای صادره توسط دیوان عدالت اداری نیز پرداخته شده است. این بررسی به خوبی نشان می‌دهد که چگونه اختلاف در تفسیر قوانین، فقدان وحدت رویه در نهادهای محلی، و نیز بی‌توجهی به مصوبات ملی می‌تواند فضای فعالیت شرکت‌های اقتصادی را دچار مخاطره کند.

از این منظر، تجربه حاضر در کنار مطالعه موردی حقوقی، بازتابی از یک مسأله ساختاری در تعامل میان قانون‌گذاری ملی و اجرای محلی است؛ موضوعی که تا زمان اصلاح سازوکارهای نظارتی و اجرایی، همچنان می‌تواند چالش‌برانگیز باقی بماند.

شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)



شرح حادثه:

شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها در سال‌های اخیر، با استناد به مصوبات محلی^۱، اقدام به وضع عوارضی نظیر ۳ درصد حق بیمه آتش‌سوزی، ۰.۵ درصد عوارض پیمانکاری و عوارض افتتاح بانک‌ها نموده‌اند. این عوارض عمدتاً بر اساس دو استدلال به شرح ذیل مطالبه می‌شوند:

۱. استفاده شرکت‌های بیمه از خدمات ایمنی شهرداری‌ها مانند آتش‌نشانی و کاهش ریسک خسارات؛

۲. صلاحیت شوراها در وضع عوارض محلی بر اساس بند (۱۶) ماده ۷۱ قانون تشکیلات شوراها^۲.

موضوع این گزارش، اختلاف حقوقی بین یکی از شرکت‌های بیمه و شهرداری مشهد بر سر اخذ عوارض از فعالیت‌های بیمه‌ای است. این اختلاف ناشی از تفسیر متفاوت شهرداری مشهد و کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها از قوانین مالیاتی، به‌ویژه

قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و صلاحیت شوراهای اسلامی شهر در وضع عوارض محلی است.

شهرداری مشهد با استناد به مصوبات قدیمی شورای اسلامی شهر^۳، اقدام به مطالبه عوارض از حق بیمه‌های صادره توسط یکی از شرکت‌های بیمه در محدوده شهر مشهد نموده است. در مقابل، شرکت بیمه با استناد به مواد قانون مالیات بر ارزش افزوده و آرای دیوان عدالت اداری، این مطالبات را فاقد وجهت قانونی دانسته و خواستار نقض آرای کمیسیون ماده ۷۷ و توقف اجرای‌های ثبت شده است. در این گزارش بر جنبه‌های حقوقی این پرونده تأکید شده است.

در ادامه به تشریح این پرونده می‌پردازیم.

روند رسیدگی قضایی:

^۳ مصوبات به شماره ۴۸۹۴ مورخ ۱۳۸۳/۰۹/۲۸ و ۱۵۷۲ مورخ ۱۳۸۴/۰۳/۱۸.

^۱ مصوبه شماره ۵-۱۴۷۳۱/۱۰ شورای شهر شیراز و مصوبه شماره ۸۸۷-۱۳۹۲/۲۱۱ شورای شهر کرمان.

^۲ بند (۱۶) ماده ۷۱ قانون تشکیلات شوراها مصوب ۱۳۷۵: «تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود.»

شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)



۱. رسیدگی در کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها:
کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری‌های مشهد در آرای شماره ۷۷/۱۳۵۸۵۰/ک و ۷۷/۱۳۵۸۵۳/ک، شرکت بیمه را به پرداخت عوارض محکوم نمود. این آراء عمدتاً مبتنی بر مصوبات شورای اسلامی شهر مشهد و بدون توجه به قانون مالیات بر ارزش افزوده صادر شدند.

۲. اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۷۷ در دیوان عدالت اداری:
شرکت بیمه با تقدیم لایحه به دیوان عدالت اداری، خواستار نقض رأی کمیسیون ماده ۷۷ شد. شعبه ۳۳ دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۷۷/۱۳۵۸۵۳/ک مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۷ مجدداً شرکت بیمه را محکوم نمود و تنها مبلغ محکومیت را کاهش داد.

۳. تکرار تخلف توسط کمیسیون ماده ۷۷:
علیرغم نقض رأی اولیه توسط دیوان عدالت اداری، کمیسیون ماده ۷۷ مشهد در رأی شماره ۷۷/۱۳۵۸۵۳/ک مورخ ۱۳۹۸/۰۷/۱۷ مجدداً شرکت بیمه را محکوم نمود و تنها مبلغ محکومیت را کاهش داد.

۴. درخواست دستور موقت:
شرکت بیمه جهت جلوگیری از اجرای رأی کمیسیون، تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر توقف عملیات اجرایی نزد اداره ثبت مشهد را ارائه نمود.

۵. ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰: «هرگاه شعبه رسیدگی‌کننده دیوان در مرحله رسیدگی به آراء و تصمیمات مراجع مذکور در بند (۲) ماده ۱۰ این قانون، اشتباه یا نقصی را ملاحظه نماید که به اساس رأی لطمه وارد نکند، آن را اصلاح و رأی را ابرام می‌نماید و چنانچه رأی واجد ایراد شکلی یا ماهوی مؤثر باشد، شعبه مکلف است با ذکر همه موارد و تعیین آن‌ها، پرونده را به مرجع مربوط اعاده کند. مرجع مذکور موظف است مطابق دستور شعبه دیوان نسبت به رفع نقص یا ایرادهای اعلامی اقدام و سپس مبادرت به اتخاذ تصمیم یا صدور رأی نماید.»

۶. ماده ۱۱ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰: «در صورتی که تصمیمات و اقدامات موضوع شکایت، موجب تضییع حقوق اشخاص شده باشد، شعبه رسیدگی‌کننده، حکم بر نقض رأی یا لغو اثر از تصمیم و اقدام مورد شکایت یا الزام طرف شکایت به اعاده حقوق تضییع شده، صادر می‌نماید. تبصره: پس از صدور حکم و قطعیت آن براساس ماده فوق، مرجع محکوم‌علیه علاوه بر اجرای حکم، مکلف به رعایت مفاد آن در تصمیمات و اقدامات بعدی خود در موارد مشابه است.»

شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)



مستندات قانونی:

۱. ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷:

این ماده به صراحت هرگونه وضع عوارض بر کالاها و خدمات مشمول این قانون از جمله خدمات بیمه‌ای توسط شوراهای اسلامی شهر و سایر مراجع را ممنوع اعلام می‌کند. تبصره این ماده نیز تأکید دارد که شوراها تنها مجاز به وضع عوارض محلی جدید برای مواردی هستند که در قانون مالیات بر ارزش افزوده تکلیف نشده‌اند و باید تا ۱۵ بهمن هر سال آن‌ها را اعلام کنند.

۲. ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷:

به موجب مواد ۱۶ و ۳۸ این قانون بر کلیه خدمات بیمه‌ای عوارضی معادل ۳ درصد مبلغ فروش خدمات

به نفع شهرداری‌ها پیش‌بینی گردیده است که این عوارض به موجب ماده مزبور نسبت به حق بیمه هرگونه بیمه‌نامه صادره در صنعت بیمه از بیمه‌گذاران وصول می‌گردد. با توجه به این که نسبت به فروش هرگونه کالا و خدمات صرفاً یک بار عوارض مجاز است، بنابراین، اخذ عوارض مضاعف توسط شهرداری‌ها نقض این ماده محسوب می‌شود.

۳. ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷:

این ماده قوانین پیشین از قبیل قانون تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ را نسخ کرده است و تأکید می‌کند برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع است. بنابراین، از تاریخ تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷،

الف- کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ صدر ماده (۱۶) این قانون، یک‌ونیم درصد.»

۸ ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون اصلاح موادی از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱ و اصلاحیه بعدی آن و سایر قوانین و مقررات خاص و عام مغایر مربوط به دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض بر واردات و تولید کالاها و ارائه خدمات لغو گردیده و برقراری و دریافت هرگونه مالیات غیرمستقیم و عوارض دیگر از تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاها و ارائه‌دهندگان خدمات ممنوع می‌باشد.»

۶ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷: «برقراری هرگونه عوارض و سایر وجوه برای انواع کالاهای وارداتی و تولیدی و همچنین ارائه خدمات که در این قانون، تکلیف مالیات و عوارض آن‌ها معین شده است، همچنین برقراری عوارض به درآمدهای مأخذ محاسبه مالیات، سود سهام شرکت‌ها، سود اوراق مشارکت، سود سپرده‌گذاری و سایر عملیات مالی اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی مجاز، توسط شوراهای اسلامی و سایر مراجع ممنوع می‌باشد.»

۷ ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷: «نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶) این قانون، به شرح زیر تعیین می‌گردد:

شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)



این رأی مصوبه شورای اسلامی شهر شیراز مبنی بر اخذ عوارض بیمه حریق را به دلیل مغایرت با قانون مالیات بر ارزش افزوده ابطال نمود.

۶. رأی شعبه ۳۳ دیوان عدالت اداری:

دیوان در رأی شماره ۹۵۰۹۹۷۰۹۰۳۳۰۲۲۷۷ تصریح کرد که شهرداری‌ها نمی‌توانند عوارضی را مطالبه کنند که مبنای قانونی مشخص ندارد یا با قوانین ملی در تعارض است. شعبه ۳۳ دیوان در این رأی با تشخیص این موضوع که حسب قوانین و مقررات به‌طور کلی اخذ هرگونه وجهی از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط شهرداری بابت عوارض باید مستند به قانون باشد و نوع و میزان و نحوه وصول آن نیز براساس قانون زمان تعلق عوارض تعیین گردد و مطالبه عوارض بابت موضوعی که مقنن آن را مشمول عوارض قرار نداده است و یا اساساً معاف نموده است، فاقد وجاهت قانونی است. لذا مستنداً به مواد ۱۱ و ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی، دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکی و الزام کمیسیون به رسیدگی مجدد با رعایت موارد فوق صادر می‌گردد.

شورای‌های شهر حق وضع عوارض نسبت به حق بیمه‌ها را ندارند.

۴. بند (۱۶) ماده ۹۷۱ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵:

شوراهای اسلامی شهر تنها مجاز به وضع عوارض محلی هستند. فعالیت‌های بیمه‌ای به دلیل ماهیت ملی و فراملی در نقاط مختلف کشور، خارج از صلاحیت شوراهاست.

شرکت‌های بیمه با مجوز بیمه مرکزی ایران و مستند به قانون اداره امور شرکت‌های بیمه مصوب ۱۳۶۷ و قانون تاسیس بیمه‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۰ تاسیس می‌شوند. مقررات و ضوابط ارائه خدمات بیمه‌ای در مراجعی از قبیل مجلس شورای اسلامی، دولت، شورای عالی بیمه، و هیأت مدیره شرکت‌های بیمه تنظیم و تصویب می‌شوند و شعب شرکت‌های بیمه در شهرها صرفاً مجری این مقررات هستند بدین ترتیب، بهره‌مندی از خدمات بیمه‌ای ملازمه‌ای با محل استقرار شعبه شرکت بیمه ندارد.

۵. رأی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۸۸۰:

۱۶- تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود.»

^۹ بند (۱۶) ماده ۷۱ قانون تشکیلات شوراها مصوب ۱۳۷۵: «وظایف شورای اسلامی شهر به شرح زیر است:

شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)



۷. اصل ۱۰۵۱ و ۱۱۶۷ قانون اساسی:

هرگونه اخذ وجه توسط نهادهای عمومی باید مستند به قانون باشد. شهرداری مشهد با استناد به مصوبات شورا که مغایر با قانون مالیات بر ارزش افزوده است، این اصل را نقض کرده است.

مستندات قضایی:

۱. پرونده ابطال عوارض حق بیمه آتشسوزی:

شورای اسلامی شهر شاهین شهر در سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، تعرفه ۳ درصد عوارض بر حق بیمه آتشسوزی را تصویب کرد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۷۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۳۰، این تعرفه را به دلیل مغایرت با مواد ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده ابطال نمود. استدلال دیوان این بود که خدمات بیمه‌ای مشمول عوارض قانون مالیات بر ارزش افزوده هستند و شوراها حق وضع عوارض مضاعف را ندارند. در این رأی آمده است: «نظر به این که شرکت‌های بیمه طبق مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده

مصوب ۱۳۸۷ مالیات و عوارض خدمات پرداخت می‌کنند، مطابق مواد ۵۰ و ۵۲ این قانون تصویب و اخذ عوارض از قراردادهای بیمه مغایر قانون می‌باشد.»

۲. پرونده عوارض ۰.۵ درصد پیمانکاری (شاکی: شرکت ...):

شهرداری بافق با استناد به بخشنامه‌ای از سال ۱۳۷۲، ۰.۵ درصد از مبالغ قراردادهای پیمانکاری را به عنوان عوارض شهرداری کسر می‌کرد. هیأت عمومی دیوان در رأی شماره ۲۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۱۹، این عوارض را به دلیل مغایرت با ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و نسخ قانون تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ ابطال کرد.

۳. پرونده عوارض بانک‌ها و موسسات مالی (شاکی: بانک ... و دیگران):

شوراهای شهرهای شیراز، تبریز، و کرمان عوارضی نظیر ۱۰ برابر ارزش منطقه‌ای برای افتتاح بانک‌ها و عوارض ماهیانه شعب وضع کرده بودند.

اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.»

¹⁰ اصل ۵۱ ق.ا. مصوب ۱۳۵۸: «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.»

¹¹ اصل ۱۶۷ ق.ا. مصوب ۱۳۵۸: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر

شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)



رأی هیأت عمومی دیوان در پرونده شرکت بیمه تأیید می‌کند که فعالیت بیمه جنبه ملی دارد و نمی‌توان آن را مشمول عوارض محلی دانست.

۴. اصل حاکمیت قانون^{۱۲}:

هرگونه اخذ وجه توسط نهادهای عمومی باید مستند به قانون باشد. مصوبات شوراهای شهر در موارد مذکور، فاقد این شرط هستند.

مبانی فنی ابطال عوارض:

۱. مغایرت با قوانین بالادستی:

مصوبات شوراهای شهر شاهین‌شهر، بافق و شیراز پس از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ صادر شده‌اند و بنابراین مغایر با مواد ۵۰ و ۵۲ این قانون هستند.

۲. اشتباه در تعریف «عوارض محلی»:

عوارض محلی باید مرتبط با مصرف کالا/خدمات در محدوده شهر باشد. برای مثال، عوارض بانک‌ها که خدمات آن‌ها ماهیت ملی دارد، مصداق عوارض محلی نیست.

۳. تکیه بر بخشنامه‌های منسوخ:

شهرداری بافق به بخشنامه ۱۳۷۲ سازمان برنامه و بودجه استناد کرده بود، درحالی‌که این بخشنامه با

هیأت عمومی دیوان در آرای شماره ۳۲۷ الی ۳۳۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۰۵، این مصوبات را به دلیل تخلف از ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و عدم صلاحیت شوراها در وضع عوارض ملی ابطال نمود.

مبانی حقوقی ابطال عوارض:

۱. ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده:

این ماده به صراحت وضع هرگونه عوارض بر خدمات مشمول این قانون از جمله بیمه، بانکداری، و پیمانکاری توسط شوراها را ممنوع اعلام می‌کند.

تبصره ۱ این ماده تأکید دارد که شوراها تنها برای مواردی که در قانون مالیات بر ارزش افزوده «تکلیف نشده»، مجاز به وضع عوارض محلی هستند.

۲. ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده:

این ماده قانون تجمیع عوارض (۱۳۸۱) و سایر قوانین مغایر را نسخ کرده است. بنابراین، بخشنامه‌ها و مصوبات پیشین مانند بخشنامه ۱۳۷۲ شهرداری بافق فاقد اعتبارند.

۳. صلاحیت شوراهای اسلامی شهر:

مطابق بند (۱۶) ماده ۷۱ قانون شوراها، شوراها تنها مجاز به وضع عوارض محلی هستند. فعالیت‌های ملی مانند بیمه و بانکداری خارج از صلاحیت آن‌هاست.

^{۱۲} اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸



شرح تجربه (فرآیند حل مسأله)

تصویب قانون تجميع عوارض مصوب ۱۳۸۱ لغو شده
بود.



نتایج اجرای تجربه (آورده‌های حقوقی و فنی)

۳. تأثیر عوارض دوگانه بر فعالیت شرکت‌های بیمه:
اخذ عوارض مضاعف از شرکت‌های بیمه، علاوه بر افزایش هزینه‌های عملیاتی، اصل رقابت‌پذیری را در صنعت بیمه خدشه‌دار می‌کند. این امر می‌تواند به افزایش هزینه و ریسک‌های اقتصادی شرکت‌های بیمه منجر شود.

۴. دقت در محاسبات:
شهرداری مشهد در محاسبه عوارض، حق بیمه‌های صادره در کل استان خراسان رضوی را مبنای محاسبه قرار داده بود، درحالی که صلاحیت آن محدود به شهر مشهد است. شهرداری مشهد برای کلیه بیمه‌نامه‌های صادره عوارض وضع کرده است؛ حال آن‌که در صورتی هم که اگر قرار بود عوارضی وضع گردد، مطابق مصوبه شورای اسلامی شهر مشهد، بایستی صرفاً نسبت به درصدی از بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی وضع عوارض انجام می‌گرفت. این موضوع اهمیت حسابرسی و شفافیت مالی در نهادهای عمومی را برجسته می‌کند.

با بررسی این پرونده و سایر پرونده‌های مشابه می‌توان ملاحظات زیر را مدنظر قرار داد:

۱. تقدم قوانین ملی بر مصوبات محلی:

پرونده حاضر و سایر پرونده‌های مشابه نشان می‌دهند که شوراهای شهر اغلب مصوبات خود را بدون توجه به قوانین ملی تصویب می‌کنند. در این پرونده مصوبات شماره ۴۸۹۴ و ۱۵۷۲ شورای اسلامی شهر مشهد مصوب ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، پیش از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ وضع شده‌اند و با نسخ مواد قانونی مرتبط، فاقد اعتبار هستند. لذا اخذ عوارض از خدمات بیمه‌ای توسط شهرداری مشهد، به دلیل مغایرت با مواد ۳۸، ۵۰ و ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده، غیرقانونی است.

۲. نقش دیوان عدالت اداری در وحدت رویه قضایی:

آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مانند رأی شماره ۷۶۸ و ۸۸۰، به ایجاد وحدت رویه در ابطال مصوبات مغایر با قانون کمک کرده است. با این حال، تکرار آرای مغایر توسط کمیسیون ماده ۷۷، لزوم تقویت سازوکارهای نظارتی را بر اجرای آرای دیوان نشان می‌دهد.



پژوهشکده بیمه

www.irc.ac.ir